



پیام فرمانده کل سپاه
به خانواده شهدای جنایت در منطقه کوهستک

جنایت دشمن هرگز بی حساب نخواهد ماند

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۵۲ | دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ | ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۷ سپتامبر ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

سیدحسین خاتمی خوانساری
تصمیم تاریخ ساز



رضا صارمی راد
نفرین میان دوره‌ای



مصطفی قربانی
تکلیف جنگ روشن می شود



دفاع شرافتمندانه همه‌پرسی نمی‌خواهد!

آیا اساساً منطقی است که
برای یک دفاع شرافتمندانه که
تأمین‌کننده استقلال، عزت و
آینده یک ملت است، اصل چنین
دفاعی را به همه‌پرسی گذاشت؟
مگر در شرعی و عقلایی بودن
دفاع تردید وجود دارد؟

آیا مشروعیت و مقبولیت دفاع از
سرزمین، استقلال، موجودیت و
عزت ملی، تابع زمان است و در
صورت طولانی شدن این دفاع،
باید خسته شد و از دفاع به دلیل
طولانی شدن دست کشید؟

آیا پیامبر عظیم‌الشان اسلام در
اصل جنگ و دفاع در برابر دشمنان
از مردم مشورت می‌گرفت، یا اینکه
در شیوه و چگونگی نبرد از حیث
تاکتیک‌های جنگی و چگونگی
داشتن مواضع دفاعی مردم
مشورت می‌کرد؟

رؤیای ناتمام



روش اسلامی مبارزه چیست؟



نفرین میان دوره‌ای



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

در آمریکا، «انتخابات میان دوره‌ای» با اصطلاح «نفرین میان دوره‌ای» شناخته می‌شود؛ به این معنا که حزب رئیس‌جمهور تقریباً همیشه در این انتخابات کرسی‌های کنگره را از دست می‌دهد. این انتخابات در واقع ارزیابی عملکرد دوساله رئیس‌جمهور است. از سال ۱۹۳۴ تاکنون ۲۳ دوره انتخابات میان دوره‌ای برگزار شده است که حزب حاکم تنها دوبار توانسته اکثریت مجلس نمایندگان را حفظ کند. در طول یک قرن گذشته تنها سه بار حزب رئیس‌جمهور موفق به افزایش کرسی‌های خود در مجلس نمایندگان شده که این سه دوره هم فضایی داخلی آمریکا فضای ویژه‌ای داشته است؛ به ترتیب در سال ۱۹۳۴ فرانکلین روزولت برای مقابله با سقوط اقتصادی آمریکا طرح قرارداد جدید را داد. در سال ۱۹۹۸ بیل کلینتون که در آستانه استیضاح بود، در حمایت از او کرسی‌های مجلس نمایندگان افزایش یافت و در سال ۲۰۰۲ در دوره جرج بوش پس از حملات ۱۱ سپتامبر در راستای حمایت از وحدت ملی و حمایت از دولت آرای حزب جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان و سنا افزایش یافت. پس این سه دوره‌ای بوده که تقریباً استثنای بوده و در واقع رئیس‌جمهور افزایش کرسی داشته است. به صورت کلی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخابات میان دوره‌ای عبارتند از:

- محبوبیت رئیس‌جمهور: وقتی محبوبیت رئیس‌جمهور زیر پنجاه درصد باشد، حزب حاکم به طور میانگین ۳۰ کرسی را از دست می‌دهد؛ اما اگر محبوبیت بالای ۵۰ درصد باشد، به طور میانگین هشت کرسی را از دست می‌دهد.
- وضعیت اقتصادی: اگر اقتصاد وضعیت مطلوب داشته باشد و مردم نسبت به دولت خوشبین باشند، احتمال کاهش کرسی‌ها کمتر است.
- رویدادهای غیرمنتظره: جنگ و حملات تروریستی و نحوه مدیریت رئیس‌جمهور بر آرای رأی‌دهندگان بسیار مؤثر است. با در نظر گرفتن شرایط فوق احتمال شکست ترامپ در انتخابات بسیار بالاست. البته در مورد مجلس نمایندگان وضع حزب جمهوری‌خواه قبل از جنگ هم مناسب نبود؛ ولی در حال حاضر شکست آنها در این مجلس قطعی شده است و در نظرسنجی‌ها احتمال پیروزی حزب دموکرات ۸۰ درصد برآورد شده است. ولی جنگ تحمیلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی بیشتر ضرر به راه حزب جمهوری‌خواه در مجلس سنا وارد کرد. قبل از جنگ احتمال پیروزی جمهوری‌خواهان به نسبت بالا بود؛ ولی در حال حاضر این احتمال کاهش یافته است.
- گفتنی است، از ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان تنها ۱۰۰ کرسی رقابتی است و وضعیت بقیه کرسی‌ها به صورت سنتی معلوم است که به کدام حزب تعلق دارد. در مورد مجلس سنا از مجموع ۳۵ کرسی تنها ۸ کرسی رقابتی است که در ۶ ایالت قرار دارند که شامل ایالت‌های آلاسکا، آیووا، اوهایو، نگراس، مین و میشیگان می‌شود. در حال حاضر در مجلس سنا جمهوری‌خواهان ۵۳ کرسی در برابر ۴۷ کرسی دموکرات‌ها و مستقلین هم‌پیمان آنها را دارند. بنابراین دموکرات‌ها برای تصاحب اکثریت به پیروزی در چهار ایالت از شش ایالت نیاز دارند. هم اکنون دموکرات‌ها در دو ایالت میشیگان و مین وضعیت خوبی دارند و در چهار ایالت دیگر رقابت نزدیک است.

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



آقای دکتر حسن روحانی در دیدار جمعی از استانداران، معاونان و فرمانداران دولت‌های یازدهم و دوازدهم، مطالبی را بیان داشته، که به طور قطع مواردی از دیدگاه‌های ایشان، نیازمند نقد جدی از سوی صاحب‌نظران در حوزه اندیشه سیاسی و موضوعات دفاعی-امنیتی است.

در این نوشتار فقط به بخشی از اظهارنظر ایشان درباره نظرخواهی از مردم برای ادامه جنگ اشاره می‌شود.

در بخشی از اظهارات نامبرده چنین آمده است:

«این خیلی مهم است که اول چارچوب اهداف ملی برای خودمان روشن باشد و بعد هم عرضه کنیم به مردم.

بگوییم مردم! قرار ما این است که با قدرت‌های جهانی ۲۰ سال دیگر بجنگیم، اگر مردم گفتند ما قبول داریم، خیلی هم خوب است برویم ادامه دهیم، اما اگر مردم نپذیرفتند و راه دیگری را نشان ما دادند، آیا ما نمی‌خواهیم بپذیریم؟»

آقای روحانی در ادامه این بخش از اظهارات خود به مشورت پیامبر(ص) با مردم استناد کرده و می‌گوید:

«آنکه پیغمبر بود مشورت می‌کرد، او که وصل بود به مبدأ وحی، با مردم مشورت

می‌کرد، او که دارای آن همه دانش و بینش و تدبیر و عقل بود مشورت می‌کرد، ما حاضر به مشورت با مردم و ولی نعمتان خودمان نیستیم؟»

درباره این بخش از صحبت‌های ایشان که مرتبط با جنگ تحمیلی دشمن صهیونی-آمریکایی علیه ملت ایران و چگونگی پایان دادن به آن مطرح شده و راه حل را نوعی همه‌پرسی از مردم اعلام می‌دارد؛ برای سنجش درستی یا نادرستی این دیدگاه، باید به چند نکته توجه داشت:

۱- آیا پیامبر عظیم‌الشان اسلام در اصل جنگ و دفاع در برابر دشمنان از مردم مشورت می‌گرفت، یا اینکه در شیوه و چگونگی نبرد از حیث تاکتیک‌های جنگی و چگونگی داشتن مواضع دفاعی مردم مشورت می‌کرد؟

همه اسلام‌شناسان به خوبی می‌دانند که جهاد و دفاع در عصر پیامبر واجب بود. جهاد امر الهی است و آیات فراوانی در قرآن بر آن تصریح دارد. دفاع یک امر طبیعی و عقلایی است و هیچ کس در این امر عقلایی تردید ندارد.

آنچه پیامبر به مشورت می‌گذاشت، نه اصل جهاد و دفاع، بلکه چگونگی جنگیدن و تاکتیک‌های دفاعی و تهاجمی بود که دیگران بر اساس تجربه و شناخت از جغرافیای جنگ به صورت پیشنهادی نظرات مشورتی به پیامبر می‌دادند.

۲- آقای روحانی مگر نمی‌داند که این

دفاع شرافتمندانه همه‌پرسی نمی‌خواهد!

دشمن صهیونی-آمریکایی است که به کشور و ملت ما حمله کرده و جنگ را بر ما تحمیل کرده است؟ اگر این چنین است که ایشان به وضوح می‌داند جنگ بر ما تحمیل شده است؛ پس چرا می‌گوید به مردم بگوییم قرار است که با قدرت‌های جهانی ۲۰ سال دیگر بجنگیم؟ مگر ما جنگ را شروع کردیم؟ دشمن جنگ را به ما تحمیل کرده و ملت ما از موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع می‌کند.

ملت ایران در برابر متجاوزانسی از خود دفاع می‌کند که جنگ را با هدف براندازی جمهوری اسلامی و تجزیه ایران و در نهایت سلطه بر این سرزمین کهن و پهناور و تاریخی آغاز کردند.

حال باید با توجه به این نوع نگاه به دو پرسش زیر پاسخ داد:

۱- آیا مشروعیت و مقبولیت دفاع از سرزمین، استقلال، موجودیت و عزت ملی، تابع زمان است و در صورت طولانی شدن این دفاع، باید خسته شد و از دفاع به دلیل طولانی شدن دست کشید؟

۲- آیا اساساً منطقی است که برای یک دفاع شرافتمندانه که تأمین‌کننده استقلال، عزت و آینده یک ملت است، اصل چنین دفاعی را به همه‌پرسی گذاشت؟ مگر در شرعی و عقلایی بودن دفاع مقدس از موجودیت و تمامیت ارضی کشور و ملت ایران تردید وجود دارد که برای ادامه دادن

دفاع مشروع یا خاتمه آن، نظام اسلامی به همه‌پرسی روی آورد؟

در چنین وضعیتی در هر جامعه‌ای، انسان‌های با غیرت لباس جهاد بر تن کرده و برای حفظ سرزمین و موجودیت می‌جنگند و عده‌ای هم مسیر عافیت‌طلبی در پیش گرفته و بعضاً مدافعان در عرصه مقدس دفاع را جنگ‌طلب و خود را صلح‌طلب معرفی می‌کنند!

مگر در جنگ تحمیلی اول که هشت سال به درازا کشید، این چنین نبود؟ امروز از آن هشت سال دفاع مقدس، به عنوان یک دوره مشعشع تاریخی به نیکی یاد می‌کنیم؛ چرا که ملت ایران مردانه ایستاد و از شرف و ناموس، استقلال و تمامیت ارضی، عزت و هویت تاریخی خود دفاع کرد.

به طور قطع امروز هم، ده‌ها میلیون نفر از مردان و زنان با غیرت ایرانی در جغرافیای پهناور ایران، جانفدای کشور بوده و در دفاع مشروع و عقلانی تردید به خود راه نمی‌دهند.

بنابراین، بهتر آن است که در این امر دفاع مقدس و افتخارآفرین، اگر خود اهل جهاد و از جان گذشتن نیستیم، حداقل با ژست دموکراسی‌خواهی و صلح‌طلبی، در مسیر دفاع مقدس ملت سرافراز ایران شبهه‌افکنی نکنیم و به دشمن صهیونی-آمریکایی هم، پیام ضعف و تردید در دفاع ندهیم.

این مردم مبعوث شده، با اراده‌ای پولادین، مصمم به دفاع شرافتمندانه از ایران اسلامی در برابر دشمنان متجاوز بوده است، هر چند این دفاع بیست سال به درازا کشیده شود.

صبح صادق الزامات نبرد در مرحله تاب‌آوری را بررسی می‌کند

تکلیف جنگ روشن می‌شود

دیده می‌شود، بخشی از نیازهای کشور را می‌توان از طریق همسایگان شمالی تأمین کرد که در این صورت، محاصره دریایی بی‌اثر می‌شود.

۴- ارائه روایت پیروزی ایران در جنگ: در موقعیت کنونی، ایران اسلامی در برابر دشمن در موقعیت قدرت قرار دارد و نه ضعف. بنابراین، باید در روایت‌سازی از وضع موجود به این نکته بسیار مهم توجه شود. اهمیت این موضوع نیز به علت آن است که وقتی بدانیم در موضع طرف پیروز هستیم، به‌طور طبیعی، ضریب تاب‌آوری تقویت می‌شود و برعکس. از همین رو دشمنی که در میدان در برابر ایران شکست خورده است، در رسانه وانمود می‌کند که نیروی دریایی، هوایی و... ایران را از بین برده و حتی مدعی می‌شود تنگه هرمز نیز در اختیار او بوده و اساساً باز است!

در پایان باید گفت، جنگ همانند هر پدیده‌ای مرحله‌ای دارد و در مرحله کنونی که جنگ در حوزه تاب‌آوری تعریف شده است، باید الزامات آن را شناخت و آنها را به‌خوبی در عمل به کار بست. بنابراین، همانند مرحله رویارویی نظامی، در مرحله تاب‌آوری هم باید با توجه به این الزامات، دشمن را به عقب‌نشینی و تجدیدنظر در محاسباتش در قبال ایران وادار کرد.

دشمن در قبال ایران مبتنی بر تسلیم، با جنگ یا بدون جنگ تعریف شده است. بنابراین، با درک کامل این واقعیت، باید عزتمندانه و قدرتمندانه در برابر دشمن موضع گرفت و ضعف‌ها و کمبودهای احتمالی نباید به‌گونه‌ای جار زده شود که سبب امیدواری دشمن شود، بلکه باید با اتخاذ مواضع مستحکم، بن‌بست راهبردهای دشمن در قبال ایران را به او نشان داد.

۳- تقویت کارآمدی: کارآمدی به‌ویژه در بعد اقتصادی باید بیش از پیش تقویت شود تا با کاسته شدن از دشواری‌های وضعیت موجود، امید و اعتماد نسبت به وضع موجود و آینده تقویت شود. در این صورت، مقاومت در برابر دشمن نه‌تنها طرد نمی‌شود، بلکه جذابیت هم پیدا می‌کند. در این زمینه، افزون بر تسریع در بازسازی، به‌طور طبیعی، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی کشور و وسعت ظرفیت‌های موجود در داخل ایران، باید محاصره دریایی دشمن بی‌اثر شود تا از این طریق، بخش عمده بار یا حباب روانی سیطره یافته بر فضای اقتصادی متلاشی شود. برای نمونه، همانند اقدامی که در توسعه تجارت با پاکستان صورت گرفته و اثر آن بر روی قیمت برخی کالا‌های اساسی، مانند برنج

قبال ایران وادار خواهد کرد. مبتنی بر آنچه گفته شد، هر دو طرف، جنگ را با تمرکز بر «تاب‌آوری» تعریف کرده‌اند و در این مرحله، به زبان ساده، بازنده کسی خواهد بود که زودتر کم بیاورد و تاب و تحملش به سرآید. با توجه به این مهم، اکنون سؤال این است که برای تقویت تاب‌آوری در برابر دشمن چه باید کرد تا نتیجه کارزار کنونی در برابر آمریکا به نفع ملت ایران رقم بخورد؟ در پاسخ می‌توان به گزاره‌های زیر اشاره کرد:

۱- تحکیم وحدت و انسجام ملی: اتحاد مقدس شکل گرفته در برابر دشمن که ضامن پیروزی ایران در بیش از یک سال اخیر در برابر دشمن بوده است، باید حفظ و تحکیم شود؛ زیرا در صورت تضعیف این اتحاد، مهم‌ترین عامل قدرت ایران دچار شکنندگی شده و دشمن برای تحقق اهدافش در قبال ایران مصمم‌تر می‌شود. گفتنی است، این وحدت و انسجام در دو سطح عمومی و نخبگانی قابل تعریف است و اگرچه در سطح نخست محقق شده است، برای سطح نخبگانی باید به‌صورت عاجل چاره اندیشید.

۲- دقت در موضع‌گیری در برابر دشمن: هرگونه که به راهبردهای دشمن در قبال ایران بنگریم، باید اعتراف کرد که بازی

مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی



آمریکا با تمرکز بر تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران، در عین حفظ کارزار نظامی ضدایرانی خود در تلاش است تا جنگ علیه ایران را بیش از پیش به محیط اجتماعی ایران بکشانند. درواقع، تجربه دو جنگ اخیر و چندین مرحله جنگ محدود در نوار جنوبی ایران، آمریکا را به این نتیجه رسانده است که حلقه مفقوده یا پاشنه آشیل راهبرد جنگی او در برابر ایران، محقق نشدن محاسبات آنها در قبال فضای داخلی ایران است. به عبارت دقیق‌تر، آمریکا به این نتیجه رسیده که تا حملات هوایی اش علیه ایران با التهاب و آشوب در فضای داخلی ایران هم‌افزایی نداشته باشد، همچنان نمی‌تواند در قبال ایران به اهداف خودش برسد. در نقطه مقابل، ایران نیز مبتنی بر این محاسبه در مقابل آمریکا پیش می‌رود که مدیریت تنگه هرمز و شوک قیمت انرژی در داخل جامعه آمریکا و به‌ویژه تأثیری که این موضوع می‌تواند بر روی انتخابات کنگره در آمریکا بگذارد، ترامپ را به تجدیدنظر در محاسبات و رویکردش در

روش اسلامی مبارزه چیست؟

برشی از زندگینامه و خاطرات حکیم شهید انقلاب اسلامی- ۲۱

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ



شیوه فعالیت‌های مبارزاتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تجلیات متفاوتی از برخی دیگر از مبارزان هم عصرش داشت که وی را به چهره‌ای منحصر‌بفرد در این عرصه تبدیل کرده بود. مشی فرهنگی-سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان در منابر و جلسات درسی که ایشان در مساجدشهر مشهددنبال می‌کردند، مشاهده نمود. اغلب پامنبری‌های ایشان جوانان دانشجویی بودند که به دنبال شنیدن سخنانی متفاوت بودند که هم از عمق معارف اسلامی برخاسته باشد و هم راهنمایی برای شناخت جبهه حق و باطل و در خدمت مبارزه با رژیم پهلوی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبتی به‌این مجلس که در روزگار خود کم‌نظیر بوده، چنین اشاره می‌کند:

«قبل از انقلاب، بعضی از روحانیون، از جمله بنده حقیر با دانشجوها ارتباطاتی داشتیم. این ارتباطات، ارتباطات سازمانی نبود، ارتباطات تشکیلاتی نبود، ارتباطات در مسائل مبارزاتی تند نبود؛ ارتباط فکری و تبیینی بود؛ یعنی جلساتی داشته باشیم که دانشجوها در آنجا شرکت کنند، یا ما أحياناً در جلسه‌ای از جلسات دانشجویی در دانشگاه شرکت کنیم. در آن اوقات، بنده در مشهد جلسه‌ای داشتیم که بین نماز مغرب و عشاء برگزار می‌شد. پای تخته می‌ایستادم و به قدر بیست دقیقه یانیم ساعت صحبت می‌کردم. مستمعین هم نود درصد جوان بودند؛ جوان‌ها هم غالباً دانشجو و بعضاً دبیرستانی. یک شب مرحوم شهید باهنر (رحمه‌الله علیه) مشهد بود، با من آمد مسجد ما، وضعیت را که دید، شگفت‌زده شد. حالا آقای باهنر کسی بود که در تهران با مجامع جوان و دانشجویی هم مرتبط بود. ایشان گفت که من به عمرم اینقدر جمعیت دانشجویی و جوان در یک مسجد ندیده‌ام. حالا توی مسجد ما مگر چقدر جوان بود؟ حداکثر مثلاً سیصد و چهل پنجاه نفر.»

دهلیز

فردایی که فرا رسید!

مروری بر موضع رهبر معظم انقلاب درباره مذاکره با دشمن

عقب‌نشینی کنید.

قدرت‌های دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرف‌های بد می‌زنند و زورگویی می‌کنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاح‌هایی است که دارند؛ آن‌وقت ما در مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفت‌های موشکی خودش را نشان می‌دهد، نه فقط مایه افتخار و مباهات ایرانی‌ها [است، بلکه] وقتی این موشک‌های سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش می‌شود، خیلی از ملت‌های آزادی‌خواه دوروبر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال می‌شوند. وقتی اینها انجام می‌گیرد، ما بیاییم اینها را بگوییم و بگوییم آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک نگذشته. دشمن دائم در حال به‌روز کردن خود و آماده کردن خود است، [بعد] ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه.»

امروز بیش از ۱۰ سال از آن زمان گذشته است و ادعای مدعیان و ادعای رهبری شهید انقلاب اسلامی در برابر چشم همگان قرار گرفته است و قضاوت در مورد صحت و سقم هر دو دیدگاه کار دشواری نخواهد بود.

این دسته از مبارزان سیاسی، سعی می‌کردند که رویکردی به معارف دینی داشته باشند که موجب روشننگری در جامعه گردد و از قرآن و سنت تحلیلی برای شرایط روز جامعه ارائه کنند. غلبه چنین احساس نیازی که کمک می‌کرد مبارزه به بطن جامعه نفوذ پیدا کند، هر چند نزد آنهایی که کمتر مشی سیاسی داشتند هم وجود داشت، اما این موج در میان طلاب پیرامون امام خمینی (ره)، بطور خاص دنبال می‌شد. در این میان، آنچه به تقویت این گفتمان کمک می‌کرد، ارجاع به سیره ائمه معصومین (ع) بود. تبیین مکتب مبارزات سیاسی اهل بیت (ع) یکی از سرفصل‌هایی بود که آیت‌الله خامنه‌ای در جلسات متعددی به بررسی آن پرداخته است. حاصل آن گفتارها در قالب کتاب‌های چون «پیشوای صادق»، «دو امام مجاهد»، «همرزمان حسین» و... جمع‌آوری و انتشار یافته است.

تلاش در عرصه روشننگری جامعه نیازمند کار تشکیلاتی و شبکه‌ای بود که با محوریت شاگردان حضرت امام ایجاد شد. آنان تلاش داشتند تا با عمق بخشی به افکار جامعه و آشنایی آنان با اسلام اصیل (که همانا اسلام ناب محمدی (ص) باشد) جامعه را آماده مبارزه و ایستادگی در برابر رژیم منحوس پهلوی نمایند. این بعد از مبارزه همزمان با شرایط سخت مبارزات سیاسی نیز پیگیری می‌شد و شرایط زندگی مخفی و زندان و تبعید نمی‌شناخت! ملاحظه ویژه در مورد این سبک از مبارزه که آن را از خط و مشی مبارزات مسلحانه جدا می‌سازد، تأکید بر آگاهی بخشی به توده‌ها است. این سبک از مبارزه، مبارزاتی خبیگانی نیست، بلکه شیوه‌ای مردمسالارانه است که بر اساس محوریت توده‌های آگاه بنیان نهاده شده است. همه تلاش‌ها بر آن است که در نهایت مردم نسبت به ناعدالتی و ظلمی که وجود دارد آگاه شوند و برای تحقق قسط و عدالت باخیزند: «لیقومون الناس بالقسط!» لذا پایه و اساس کار در این سبک از مبارزه تبیین و بصیرت‌افزایی

است.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنصر شکل دهنده این الگوی از مبارزه اینگونه تأکید می‌ورزد: «در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین- بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بلاغ- خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد؛ برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز [قبل از انقلاب] رائج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ می‌گفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگویید، چه نگویید. یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۱۳۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهدی بود، با ما هم آشنا

حافظه

غارتگران به آرژانتین رسیدند

مروری بر حضور استعمارگران اروپایی در قاره آمریکا

در کتب تاریخی، قدمت و تاریخچه آرژانتین به بیش از ۸ هزار سال برمی‌گردد؛ البته برخی دیگر ۱۱ هزار سال تاریخ برای این منطقه ذکر کرده‌اند؛ اما تقریباً همه منابع تاریخی، آرژانتین را از آغاز ورود دریانوردان اسپانیایی به این منطقه بررسی کرده‌اند. از مهم‌ترین دلایل عدم بررسی تاریخ باستان کشور آرژانتین، این بوده است که تمدن‌های مهمی هم‌چون: اینکاها و مایاها در شمال آرژانتین و مناطق پرو، بولیوی و مکزیک بوده‌اند و در بخش جنوبی آمریکای لاتین به‌ویژه در بخش آرژانتین، در آن دوره‌ها تمدن قابل‌ذکری نبود. مردمی که در این مناطق زندگی موقتی داشته‌اند، شکارچی بودند. تاکنون آثاری که نشان‌دهنده مستقر بودن قوم و گروهی در این مناطق باشد، به دست نیامده است.

بسیاری از کاوشگران اروپایی در قرن شانزدهم، برای شناسایی و کشف مناطق جدید عازم سواحل آمریکای جنوبی شدند. این ماجراجویان پس از رسیدن به مصب رودخانه «لاپلاتا» به جست‌وجوی ذخایر نقره و فلزات گرانبه‌ای منطقه پرداختند. در میان این افراد، کاوشگری به نام «آمریگو وسپوچی» که به اتفاق سایر همراهان خود با پرچم دولت پرتغال به دریانوردی می‌پرداخت، از همه حریص‌تر بود. وی توانست در سال ۱۵۰۲، به مصب رودخانه



بود، وابسته به یکی از همین گروهک‌هایی بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند. گروه جنگل و امثال اینها یک جایی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که می‌خواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم توی این زمینه اجتماعی که نمی‌شود؛ یک‌قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، حرف بزنید، به مردم تفهیم کنید چه کار می‌خواهید بکنید. با کمال بی‌اعتنایی گفت: آن روش اسلامی است! بله، روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیت‌های غلط فائق بیاید و فائق آمد.»

۳

تاریخ

شماره ۱۲۵۲ | دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵

صداق

تقویم انقلاب

تشکیلات نامرئی

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران-۱۹

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



سال ۱۳۵۶ در حالی که در فضای عمومی ایران اعتراضات علیه رژیم شاه رقم می‌خورد، پیکره رژیم زیر اهرم فشار مطالبات مردم قرار گرفته بود. دستگاه‌های امنیتی رژیم شاه روزبه‌روز در سردرگمی بیشتر فرو می‌رفتند. شاه هم گرفتار یأس و ناامیدی شده بود و توان مقاومت خود را از دست داده و از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کرد. در همین شرایط «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور وقت آمریکا به ایران می‌آمد و در ضیافت شام شاه در کاخ نیاوران شرکت می‌کرد. وی در سخنرانی خود گفت: «ایران جزیره ثبات است.» در این زمینه، تحلیل‌های بسیاری صورت گرفته است، اما در عالم واقع، این سخنان شاه را به مقابله قاطع‌تر با مخالفان فرا می‌خواند. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای منتشر کرد که به قیام خونین ۱۹ دی ۱۳۵۶ منجر شد و در واقع در پی آن یک مقاومت مردمی و ملی رقم خورد. غافل از اینکه رژیم شاه در دام تشکیلات نامرئی انقلاب گیر افتاده بود که چند ویژگی داشت:

۱- این تشکیلات سال ۱۳۵۶ از هوش، تیزبینی و بصیرت بالایی برخوردار بود. شناسایی اعضای آن برای رژیم شاه غیر ممکن شده بود. نیروهای امنیتی بسیاری از آنها را دستگیر و بازداشت کرده بودند، اما از بازجویی آنها عاجز بودند و فقط با عنوان «زندانیان تظاهراتی» از آنان نام می‌بردند.

۲- مسجد، حسینیه، مدرسه، حوزه علمیه، بازار، محله‌ها، حتی کوچه و پس کوچه‌های محله‌های فقیرنشین به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط شده بودند و پیوند داشتند که اعلامیه یا نوار کاست امام از نجف یا نوفل لوشاتو واقعاً به صورت نامرئی به تهران می‌رسید و ظرف کمتر از ۴۸ ساعت در روستاها و شهرهای ایران توزیع و پخش می‌شد. همچنین، نیروهای این تشکیلات در کمترین زمان با آمادگی کامل در صحنه حاضر می‌شدند که نمونه بارز آن را می‌توان در ایام ماه محرم و رمضان مشاهده کرد. ۳- این تشکیلات نامرئی توانست جوّ پلیسی و فضا‌های خشم و خشونت دستگاه‌های امنیتی رژیم به خصوص ساواک را بشکند و حرکت و عکس‌العمل دستگاه‌های امنیتی را خنثی کند. علاوه بر آن، این تشکیلات موفق شد باورهای نیروهای وفادار به رژیم را متحول کند؛ به گونه‌ای که برخی از آنها اظهار می‌کردند: «دیگه کار رژیم تمام است.» «نصیری» رئیس وقت ساواک در گزارشی به شاه آورده است: «ما احساس می‌کنیم که تمام ۲۰ سال زحمات گذشته ساواک دارد پنبه می‌شود.» ۴- این جریان به درستی مبتنی بر باور «ما می‌توانیم» بوده و هست. کلماتی، نظیر «نمی‌توانیم»، «نمی‌شود»، «نمی‌گذارند» و... در قاموس آنها جایی ندارد. اینها از جمله کسانی هستند که با ایمان راسخ «نشدنی‌ها» را «شدنی» کردند. با وجود اینکه دشمن جنایتکار، بسیاری از آنها را به شهادت رسانده، اما این جریان همچنان خطرپذیر است. ۵- یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین توانمندی‌های تشکیلات نامرئی انقلاب اسلامی برخلاف موضع کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود که گفت: «ایران جزیره ثبات است.» رژیم شاه از آن تاریخ دیگر روی «ثبات» را ندید.

قبلیه عشق

آخرین روضه



می گفتند ساعت دو و نیم بامداد شنبه ۱۶ اسفند، آقا مجید و هم‌زمانش در تونلی در محدوده گرمدره مشغول کار بودند که جنگنده‌ها از راه رسیدند و آن منطقه را بمباران کردند. با اصابت یکی از بمب‌ها به کوه و ریزش بخشی از آن، ورودی و خروجی تونل مسدود شد. در آن میان، یک موشک هم به نزدیکی دریچه‌های تونل خورد، اما عمل نکرد. خوشحالی نیروها از این اتفاق چندان طول نکشید؛ چون گاز و دودی که از آن موشک عمل نکرده به داخل تونل وارد می‌شد، آرام‌آرام اکسیژن موجود در آن فضا را می‌بلعید و شرایط تنفس را برای افراد داخل تونل سخت می‌کرد. تلاش‌ها برای باز کردن دهانه‌های تونل و نجات افراد محبوس‌شده، بی‌نتیجه بود. برای‌مان گفتند با اینکه آن منطقه همچنان زیر بمباران جنگنده‌ها بود، نیروهای بیرونی بدون ترس آنجا ماندند و با هر چه در اختیار داشتند تلاش کردند آن حجم خاک و شن تلنبار شده در دهانه‌های تونل را کنار بزنند، اما موفق نشدند و حتی در آن دقایق پر التهاب، سه نفر از نیروهای ایثارگری که مشغول آواربرداری بودند، به شهادت رسیدند. همکاران آقا مجید می‌گفتند معدود تماس‌هایی که با وجود آتشن‌ضعیف در آن چند ساعت برقرار شد، نشان می‌داد نیروهای داخل تونل، بر خلاف ولوله‌ای که آن بیرون برپا شده بود، آرام و مطمئن، تا جایی که نفس و توان داشتند، به کارشان ادامه داده بودند. آخرین صدایی هم که از جمع آنها به گوش رفقای بیرونی رسیده بود، صدای روضه بود. آن ۴۲ نفر در آخرین دقایق زندگی دنیایی‌شان، روضه حضرت زهرا(س) خوانده بودند....

بعد از چند ساعت تلاش که دهانه‌های مسدودشده تونل بالاخره باز شد، تازه شروع غصه‌های بیچه‌های هوافضا بود. فضای داخل تونل هیچ آسیبی ندیده بود و همه افراد حاضر در آنجا هم در ظاهر سالم بودند، اما هیچکس خوشحال نشد. تمام قصه این بود که انفجار بمب، ریزش آوار و شدت جراحات و... موجب شهادت افراد داخل تونل نشده بود. آن ۴۲ نفر، به دلیل تمام شدن اکسیژن داخل تونل، شهید شده بودند! به همین دلیل هم بود که معروف شدند به شهدای «نفس».

می‌گفتند آقا مجید، دومین شهیدی بود که از تونل بیرون آوردند. همه تعجب کرده بودند که چرا ماسک ندارند! دوستش می‌گفت: «با روحیه‌ای که از مجید سراغ دارم، حتماً فداکاری کرده و ماسکش را به هم‌زمانی داده که زودتر از او نفسش به شماره افتاده بود...»

به نقل از همسر شهید مجید شعبانی

سردار سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی خطاب به خانواده‌های معظم و صبور شهیدان والامقام حمله جنایتکارانه رژیم جنایت‌پیشه آمریکا به مجلس عروسی در منطقهٔ مظلوم کوهستک تاکید کرد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نیروهای مسلح مقتدر جمهوری اسلامی ایران، پاسدار حرمت خون این عزیزان و دیگر شه‌های اقتدار ایران اسلامی در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم آمریکایی صهیونی به‌ویژه نبرد هرمز بوده و با قدرت و صلابت هر چه تمام‌تر، حافظ امنیت و آرامش ملت و مملکت اسلامی خواهند بود.» متن پیام فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

سردار جوانی

دوره ۵۰۰ ساله حضور بیگانگان در منطقه به پایان رسیده است

معاون سیاسی سپاه خطاب به کشورهای منطقه هشدار داد: نیروهای مسلح ثابت کرده‌اند که از هر نقطه‌ای در کویت، بحرین، اردن یا هر کشوری که به ایران حمله شود، با پاسخ‌های قاطع و کوبنده مواجه خواهند شد.

سردار یدالله جوانی، در اجتماع مردم بوشهر اظهار کرد: «تراмп و تیم جنگ‌طلب او پس از ۴۷ سال آزمودن ملت ایران، اکنون در باتلاقی گرفتار شده‌اند که هر چه دست و پا می‌زنند، بیشتر فرو می‌روند.» وی افزود: «حدود چهار تا پنج ماه از آغاز جنگ گذشته است. کسی که زمانی ادعا می‌کرد ظرف دو سه روز ایران را می‌گیرد و تجزیه می‌کند، امروز برای بازگشایی یک آبراه مانده و نمی‌داند چه کند.»

معاون سیاسی سپاه تصریح کرد: «جنگ اخیر چهارمین شکست متوالی آمریکا است. در ایران میان ملت، مسئولان و نیروهای مسلح در تمام سطوح، اجماع کامل وجود دارد و ورق به عقب بر نخواهد گشت.»

معاون سیاسی سپاه خاطر نشان کرد: «ایران طبق فرمان و تدبیر رهبر انقلاب، «حق نعمت خلیج فارس و تنگه هرمز» را با اعمال ترتیبات ایرانی بر این آبراه راهبردی، به شکرانه این نعمت الهی، ادا خواهد کرد.»

سردار جوانی خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داد: «شما ۴۷ سال این ملت را آزمودید و در ۱۵ ماه اخیر، ایستادگی و مقاومت ملت ایران را به چشم دیدید. بهتر است شکست را بپذیرید؛ هر چند می‌دانیم پذیرش این شکست

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

خانواده‌های معظم و صبور شهیدان والامقام حمله جنایتکارانه و تروریستی رژیم متجاوز و جنایت‌پیشه آمریکا به مجلس عروسی در منطقهٔ مظلوم کوهستک استان هرمزگان سلام‌علیکم؛

بار دیگر چهرهٔ خبیث و اهریمنی آمریکا، در اقدامی تروریستی و ضد انسانی، با هدف زدودن شادی و نشاط از صحنه زندگی ملت شریف ایران و ایجاد رعب و وحشت در شهروندان غیرنظامی بی‌گناه، در معرض جهانیان نمایان شد. این جنایت هولناک که در حریم امن میهن عزیزمان و در میان جمعی از زنان، مردان و کودکان معصوم در یک جشن عروسی

پیام فرمانده کل سپاه به خانواده شهدای جنایت در منطقهٔ کوهستک

جنایت دشمن هرگز بی حساب نخواهد ماند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نیروهای مسلح مقتدر جمهوری اسلامی ایران، پاسدار حرمت خون این عزیزان و دیگر شهدای اقتدار ایران اسلامی در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم آمریکایی صهیونی بویژه نبرد هرمز بوده و با قدرت و صلابت هر چه تمام‌تر، حافظ امنیت و آرامش ملت و مملکت اسلامی خواهند بود.

از درگاه خداوند متعال برای همهٔ شهیدان این حادثهٔ غم‌انگیز، علو درجات و همنشینی با پیامبر اعظم(ص) و خاندان مطهر آن حضرت و برای بازماندگان و شما خانواده‌های معظم، صبر، شکیبایی و سکنه قلبی توام با ثبات قدم مسئلت داریم. یاد و خاطره آنان همواره در حافظه تاریخی ملت ایران زنده و جاوید خواهد ماند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب

ایران گفت‌وگو می‌کند اما از اصول عبور نمی‌کند

آن را دیده‌اند؛ از همین رو جمهوری اسلامی ایران نه بر اساس وعده، بلکه بر مبنای اقدام واقعی طرف مقابل تصمیم خواهد گرفت. «حجت‌الاسلام طائب تاکید کرد: «هر تهدیدی باید اجرا شود و هر توافقی نیز باید در عمل به تأمین حقوق ملت ایران منجر شود.» وی خاطر نشان کرد: «دشمن نمی‌تواند هم‌زمان تعهدات خود را ندیده‌بگیرد، تهدید کند و انتظار داشته باشد ایران از حقوق خود دست‌بکشد.»

حجت‌الاسلام طائب در ادامه با تأکید بر مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مذاکره گفت: «ملت ایران نه تهدید را می‌پذیرد، نه تحمیل را و نه مذاکره‌ای را که نتیجه‌آن تضعیف حقوق کشور باشد.»

وی افزود: «ایران مذاکره می‌کند، اما مرعوب نمی‌شود؛ گفت‌وگو می‌کند، اما از اصول خود عبور نمی‌کند. این موضع، موضع یک دولت یا جریان سیاسی نیست، بلکه خواست ملتی است که بهای استقلال خود را با خون بهترین فرزندان‌ش پرداخته است.» رئیس سازمان بسیج مستضعفین اظهار کرد: «قدرت جمهوری اسلامی ایران از پیوند سه عنصر خون شهدا، رهبری هوشمندانه و اراده ملتی که تسلیم نمی‌شود، شکل گرفته است.»

حجت‌الاسلام طائب با تأکید بر اینکه پرچم مقاومت بر زمین نخواهد ماند، تصریح کرد: «به پشتوانه همین قدرت، معادلات منطقه و جهان تغییر کرده و هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کند.»

رخ داد، نشان‌دهندهٔ عمق دشمنی و کینهٔ دیرینه دشمنان انقلاب و نظام اسلامی و عجز و ناتوانی آنان برابر بلندای ایستادگی و اراده پولادین مردمان این سرزمین است. اینجانب، این ضایعهٔ جانگداز و تأسفبار را به محضر حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ملت بزرگ ایران و به ویژه شما خانواده‌های داغدار و متألّم این جنایت بزرگ، تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم. بی‌گمان، خون پاک این شهیدان مظلوم که در اوج بی‌گناهی و مظلومیت، به دست جنایتکاران تاریخ و اشتیای زمانه در خاک و خون غلتیدند، هرگز بی حساب نخواهد ماند و قطعاً گریبان عاملان و آمران این جنایت فجیع را خواهد گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب

ایران گفت‌وگو می‌کند اما از اصول عبور نمی‌کند

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: «دشمن امروز به آتش‌بس پناه آورده و بار دیگر مسیر مذاکره را دنبال می‌کند، اما ایران مذاکره را نه از سر نیاز، بلکه بر اساس منافع و حقوق ملت می‌پذیرد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب در جمع خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم با اشاره به رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مذاکره اظهار کرد: «مذاکره ذاتاً نه خوب است و نه بد، بلکه آنچه به مذاکره معنا می‌دهد، نتیجه آن است.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین تصریح کرد: «مذاکره‌ای که به تثبیت حقوق ملت ایران، تضمین حقوق جبهه مقاومت و حفظ عزت و منافع کشور منجر شود، قابل قبول است؛ اما مذاکره‌ای که به معنای چشم‌پوشی از حقوق ملت یا پذیرش زیاده‌خواهی دشمن باشد، هیچ جایگاهی در سیاست ایران ندارد.»

حجت‌الاسلام طائب با تأکید بر روشن بودن موضع جمهوری اسلامی ایران گفت: «مذاکره برای گرفتن حق ملت است، نه واگذار کردن آن.»

وی خاطرنشان کرد: «ملت ایران همان‌گونه که در میدان و خیابان ایستادگی کرده است، پشت میز مذاکره نیز با همان منطق مقاومت حاضر خواهد شد.»

حجت‌الاسلام طائب در ادامه با اشاره به بدعهدی‌های طرف مقابل اظهار کرد: «مردم ایران بارها وعده‌های دشمن را شنیده و نتیجه

خبر

پروژه آبرسانی

آیین افتتاح پروژه بزرگ آبرسانی به روستاهای محروم شهرستان اندیکا به همت قرارگاه محرومیت‌زدایی امام حسن مجتبی (ع) سپاه حضرت ولی‌عصر(عج) خوزستان، در شهرستان اندیکا برگزار شد. این پروژه با هدف تأمین آب پایدار و رفع محرومیت از مناطق کم‌برخوردار شهرستان اندیکا اجرا شده و در قالب مرحله نخست، ۵۰ روستای محروم شهرستان اندیکا با جمعیتی بالغ بر ۱۸ هزار نفر از مزایای آن بهره‌مند خواهند شد. از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در این طرح می‌توان به ایجاد چاه و گالری به عمق ۶۰ متر و طول ۹۵ متر اشاره کرد که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فنی و اجرایی قرارگاه محرومیت‌زدایی امام حسن مجتبی (ع) به مرحله بهره‌برداری رسیده است. این پروژه با اعتباری بالغ بر یک‌هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان اجرا شده و گامی مهم در راستای توسعه زیرساخت‌های آبرسانی، ارتقای کیفیت زندگی و رفع مشکلات کمبود آب در روستاهای محروم شهرستان اندیکا به شمار می‌رود.

در کنار عشایر

آیین توزیع ۷۰ دستگاه تانکر هزار لیتری آب ویژه جامعه عشایری استان خراسان شمالی، با حضور مسئولان محلی و جمعی از معتمدان عشایر برگزار شد. این اقدام در راستای طرح محرومیت‌زدایی و مدیریت بحران کم‌آبی در مناطق عشایری استان به مرحله اجرا درآمد. سرهنگ پاسدار غلامی، مسئول سازمان بسیج عشایری استان در حاشیه این مراسم تصریح کرد: «بسیج عشایری با همراهی سپاه، نهادهای اجرایی و بسیج سازندگی، برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای احداث منابع پایدار آب در مناطق عشایری دارد و این حرکت تا رفع کامل دغدغه‌های آبی این قشر تولیدگر و عبور ادامه خواهد یافت.» وی با اشاره به اینکه تأمین آب پایدار همواره یکی از چالش‌های اساسی خانواده‌های عشایری بوده، اظهار داشت: «استان خراسان شمالی میزبان ده هزار خانوار عشایری است که نقش مهمی در تولید دام و محصولات لبنی ایفا می‌کنند و کمبود آب، همواره یکی از موانع اصلی معیشت آنان به شمار می‌رود.»

رقابت باید به بازار خودرو برگردد

ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان گفت: تا زمانی که واردات خودروی خارجی قطره چکانی باشد عملاً نمی‌تواند بر رفاه طبقه متوسط تأثیرگذار باشد بنابراین فقط منجر به واردات خودروی لوکسی می‌شود که اقشار مرفه و برخوردار جامعه قادر به خرید آن هستند، لذا عملاً تغییری در روند تولید خودروی داخلی ایجاد نمی‌کند و خودروساز را وارد روند رقابتی و اصلاحات اساسی نمی‌کند بنابراین این مدل واردات کارساز نیست.

رحمان سعادت، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان در گفت‌وگو با صبح صادق در خصوص اهمیت رفع انحصار از خودروسازان داخلی به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر که گره از مشکلات متعددی چون مصرف بالای بنزین، تصادفات جاده‌ای و مصدومیت‌ها و گاه‌ها معلولیت‌های ناشی از این تصادفات را بازمی‌کند، گفت: متأسفانه انحصار نامیوم در صنعت خودروسازی ایران زمینه‌ساز بسیاری از چالش‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی تأثیر در میزان مصرف بنزین داشته است به نحوی که امروز سهم کیفیت پایین خودروها در مصرف بالای بنزین رقم قابل ملاحظه‌ای است. آثار سوء انحصار به روز نشدن صنعت خودروسازی در جامعه به دلیل عدم ارتقای کیفیت خودرو که منجر به تصادف‌های متعددی شده و میزان مرگ و میر و تروما در سال را به بیش از ۲۰ هزار نفر در سال رسانده است بخشی از نتایج انحصار نامیوم در صنعت خودروسازی داخلی است. این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی معتقد است: با اینکه در وهله اول هدف از توسعه صنایع مثل صنعت خودروسازی ارائه خدمت به جامعه و افزایش رفاه مردم است اما متأسفانه صنعت خودروسازی ایران نه تنها موجب رفاه جامعه نشده، بلکه تورهی که ماحصل فعالیت این صنعت است رفاه مردم را نشانه رفته و خدمت‌رسانی به مردم را مختل کرده است، به نحوی که می‌توان گفت در مجموع آسیب‌های تداوم این وضعیت بیشتر از مزایای آن است. عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان اظهار داشت: وقتی واردات به میزانی نیست که انحصار صنعت خودروسازی به پایان برسد نمی‌توان انتظار داشت صنعت خودروسازی داخلی رشد و نوآوری به میزان صنایع مشابه در کشورهای



آسیایی و بین‌المللی داشته باشد و عملاً وارداتی که رخمی دهد به هیچ وجه صنعت خودروسازی را رقابتی نمی‌کند. این استاد اقتصاد یادآور شد: انحصار نامیوم خودروسازی داخلی و عدم توجه به وارداتی که موجب حرکت و سرعت عمل خودروسازی داخلی برای بهبود وضعیت عملکردی و تولید خودرو شود موجب شده صنعت خودروسازی ایران همچنان از جمله تولیدکننده خودروهای فاقد استانداردهای لازم باشد بنابراین این صنعت نتوانسته خدمتی به مردم ارائه دهد. رحمان سعادت معتقد است: به دلیل انحصار خودروسازی ملی، مدیران و تولیدکنندگان خودرویی که تحت عنوان تولید ملی عرضه و به فروش می‌رسد میل و رغبتی به افزایش کیفیت خودروهای تولیدی از خود نشان نمی‌دهند، بدین معنا که بیش از اینکه برای افزایش کیفیت تلاش کنند بیشتر مسابقه افزایش قیمت گذاشته‌اند و تقریباً هر چند ماه و چندین مرتبه در سال شاهد افزایش رسمی و غیر رسمی قیمت خودروهای داخلی هستیم در حالی که اتفاق چندانی برای بهبود کیفیت آنها رخ نمی‌دهد و طبیعتاً این وضعیت رفاه مردم را کاهش داده و موجب نارضایتی آنها می‌شود. عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان یادآور شد: بخشی از کاهش رفاه اجتماعی جامعه به دلیل تورمی است که از دل این صنعت برخاسته و بر اقتصاد و نرخ تورم اثر گذاشته است از این رو باید انحصار نامیوم صنعت خودروسازی ایران بدون کمترین شک و تردیدی به پایان برسد. این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تصریح کرد: بی‌تردید مهمترین ابزار برای پایان دادن به انحصار شوم صنعت خودروسازی داخلی توجه ویژه به ایجاد رقابت به واسطه افزایش واردات خودرو به داخل کشور آن هم واردات مؤثر با حجم و میزان کافی است.

رحمان سعادت در این باره تأکید کرد: دولت اگر در ماه یا سال یک خودرو وارد کند یا صد هزار خودرو و بیشتر وارد کند از این فرآیند تحت عنوان واردات خودرو یادمی‌شود در حالی که نتایج آن یکسان نیست مثلاً واردات ده‌ها یا صدها دستگاه خودرو در ماه طبیعتاً در بازار بزرگی مثل ایران واردات محسوب نمی‌شود بنابراین نباید فریب عناوین و تبلیغات یا بزرگ نمایی‌های دولت را بخوریم بلکه در خصوص شکست انحصار نامیوم صنعت خودروسازی داخلی و تمرکز هر چه بیشتر بر واردات باید مطالبه‌گری‌بود.

این کارشناس اقتصادی یادآور شد: از این جهت تأکیدمی‌کنم نباید فریب واژه‌ها را خورد چرا که در طی سال‌های گذشته بخشی از آنچه تحت عنوان واردات خودرو رسانه‌ای شده بیشتر سخن درمانی و نه تدوین یک راهکار اصولی به عنوان واردات متنوع و متوالی برای شکست انحصار خودروسازی بوده است.

رحمان سعادت تأکید کرد: تا زمانی که واردات خودروی خارجی به کشور قطره چکانی است و مردم راهی جز خرید خودروهای داخلی ندارند خودروساز تصمیمی برای تغییر کیفیت خودروی خود و ارائه خدماتی نظیر آنچه در دنیای امروز به مشتری می‌دهند اتخاذ نمی‌کند، لذا می‌بینیم حتی با واگذاری و تغییر مدیریت در یکی از خودروسازان بزرگ کشور باز شاهد تحول چندانی در این خودروساز نبوده‌ایم و فقط هر از چند گاهی قیمت‌ها افزایش پیدامی‌کند. این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تصریح کرد: واردات وقتی به صورت قطره چکانی انجام می‌شود در اصل برای مصرف‌کننده خاص است نه عموم مردم، در حالی که هدف از تأکید بر واردات خودروی خارجی و واردات خودروی اقتصادی است تا عموم مردم بخصوص دهک‌های متوسط به پایین جامعه بخشی از



خریداران خودروهای وارداتی خارجی باشند. عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان تأکید کرد: تا زمانی که واردات خودروی خارجی قطره چکانی باشد عملاً نمی‌تواند بر رفاه طبقه متوسط تأثیرگذار باشد بنابراین فقط منجر به واردات خودروی لوکسی می‌شود که اقشار مرفه و برخوردار جامعه قادر به خرید آن هستند، لذا عملاً تغییری در روند تولید خودروی داخلی ایجاد نمی‌کند و خودروساز را وارد روند رقابتی و اصلاحات اساسی نمی‌کند بنابراین این مدل واردات کارساز نیست.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه باید به سمت واردات حداکثری و فشار بر خودروساز داخلی برای اصلاحات عمیقی در روند تولید خود برویم، گفت: در صورتی که واردات گسترده شود خودروساز چاره‌ای جز قرار گرفتن در مسیر رقابت ندارد، این موضوع خود به خود موجب ورود سرمایه به صنعت خودروسازی، قیمت‌گذاری غیر دستوری و توجه مردم به خرید خودرویی می‌شود که به لحاظ کیفی ارتقا یافته است.

وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه متأسفانه تورم، رفاه مردم را بخصوص در بخش مواد خوراکی و آشامیدنی کاهش داده است، در صورتی که واردات خودرو برای یکایک مردم میسر باشد و دولت خودروی اقتصادی وارد کند می‌توان امیدوار بود که در این حوزه دولت وارد فاز جبرانی شده چرا که عرضه خودروی با کیفیت که حافظ جان مردم است موجب خشنودی مردم می‌شود، ضمن اینکه مردم برای خرید خودروی با کیفیت به قیمت‌های روز دنیا نه چندین برابر آن با دل و جان پول می‌دهند پس دولت از این منظر باید در کنار مردم و از منظر رشد و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی به موضوع رفع انحصار بسیار جدی ورود کند.

افزوده

اثر زیگاریک

اثر زیگاریک در اقتصاد رفتاری یعنی ذهن ما از کارهای نیمه‌تمام متفر است. تا پرونده‌ای بسته نشود، آرامش روانی شکل نمی‌گیرد؛ و دقیقاً همین کلافگی، ابزار جذاب فروشگاه‌هاست. وقتی کالایی را در سبد خرید آنلاین رها می‌کنید یا با نوار «پروفایل شما ۷۰درصد تکمیل شده» مواجه می‌شوید، ذهن آن را یک تکلیف جامانده می‌بیند. سیستم طوری طراحی می‌شود که احساس کنید اگر مسیر را تا آخر نروید، چیزی را ناتمام گذاشته‌اید. پیامک‌های تعقیبی با مضمون «سبد خریدتان منتظر است» دست روی همین بی‌قراری ناخودآگاه می‌گذارند. در واقع، بازیاب‌ها از تمایل ذاتی انسان برای «بستن پرونده‌های باز» استفاده می‌کنند تا خریدهای نیمه‌کاره را به معامله‌ای نهایی و سودآور تبدیل کنند.



شاخص

بزرگترین نیروگاه

ایران به‌زودی عملیات اجرایی ساخت بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی جهان با ظرفیت ۵۰۰۰ مگاوات را در استان اصفهان آغاز می‌کند تا جایگاه نخست دنیا را از هند و چین بریابد. ابراهیم کریمی مدیر میز انرژی استانداری اصفهان بیان کرد: کلنگ احداث نیروگاه خورشیدی ۵۰۰۰ مگاواتی به‌زودی به زمین خواهد خورد. این پروژه برق حدود ۱۰ درصد مردم ایران را در ماه تأمین می‌کند. کریمی می‌گوید این نیروگاه «بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی جهان» خواهد بود. این رتبه هم‌اکنون در دستان هند است. با ورود برق این ابرنیروگاه به شبکه، خاموشی‌ها نصف خواهد شد. ابرنیروگاه خورشیدی ایران با سرمایه‌گذاری دو میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاری بخش خصوصی است.



یادداشت

تعمیق بازار سرمایه مقابله با تحریم‌ها

همایون دارابی

کارشناس بازار سرمایه

یکی از موضوعاتی که در موضوع بازار سهام باید مورد توجه دولت باشد، جلوگیری از قیمت‌گذاری دستوری و بازگشت به روزهایی است که دولت‌های پیشین به دلیل تبعیت از راهبرد غلط قیمت‌گذاری دستوری به هجوم سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های دلالی منجر شده‌اند؛ از این رو تأکید می‌شود توقف حضور سرمایه‌های سرگردان در بازارهای دلالی منوط به جلوگیری از قیمت‌گذاری دستوری است. روند رو به رشد بورس پس از عقب ماندن بازار سهام در مقایسه با سایر بازارها که طی سال‌های گذشته چندین برابر بورس رشد داشته‌اند، بخشی از نگرانی سهامداران را کاهش داده است. بی‌تردید دولت باید منافذ ورود سرمایه‌ها را با اعتمادسازی در مردم به بازارهای دلالی ببندد و راه سرمایه‌گذاری در بازارهای اقتصادی و تأمین مالی فعالیت‌های مولد را با عدم قیمت‌گذاری و رعایت حقوق فعالان بازار سرمایه رعایت کند. این موضوع به بهبود روند شتاب جریان نقدینگی در بازار سهام بازمی‌گردد. در صورتی که ورود نقدینگی به بازار سهام ادامه داشته باشد و حقوق سرمایه‌گذار و سهامدار رعایت شود، ضمن اینکه دولت قیمت‌گذاری و مداخلات دستوری خود در اقتصاد را کاهش دهد و راه را برای ورود بخش خصوصی به اقتصاد هموار کند، قطعاً می‌توان بر بخشی از تحریم‌های کنونی غلبه کرد و راه نجاتی پیش روی اقتصاد ایران گذاشت.

اگر راه نجات اقتصاد ایران از دلان حمایت از تولید بگذرد و دولت به این موضوع واقف شود که می‌تواند با ایجاد زیرساخت‌های حمایتی و حمایت‌نکردن از بخش‌های دولتی و خسولتی فضا را برای ورود سرمایه‌های مردمی و بخش خصوصی به جریان کار و تولید باز کند، قطع به یقین ضمن اینکه سهامداران نگرانی‌ای بابت سرمایه‌گذاری خود در شرکت‌ها و بنگاه‌های مولد نخواهند داشت، شاهد کوچ سرمایه‌ها از بازارهای دلالی و سوداگری، مانند بازار سکه و ارز و خودرو به سمت سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تولیدی خواهیم بود.

اگر دولت حمایت خود را معطوف به بنگاه‌های تولیدی کند، بی‌تردید سرمایه‌هایی که راهی این بخش‌ها می‌شوند با تأمین مالی تولید ضمن به حرکت درآوردن چرخ‌های تولید کشور، مانع فشار تحریم‌ها و تشدید تحریم‌ها و محاصره دریایی می‌شوند؛ از این رو در چنین معادله‌ای نقش دولت در بسترسازی برای حمایت از تولید و دارندگان سرمایه بسیار مهم و ضروری است. در این موضوع شکی نیست که در حال حاضر بخشی از نگرانی دارندگان سهام و سرمایه بازگشت جنگ و افزایش شدید نرخ بهره است، لذا نباید مسائل سال ۱۳۹۹، مانند افزایش شدید نرخ بهره یک بار دیگر تکرار شود؛ چرا که بخش مهمی از ریزش بازار سهام در آن سال به دلیل بالا بردن یک باره نرخ بهره بود که در نهایت موج بزرگی از نقدینگی سرگردان در اقتصاد ایران ایجاد کرد. رفع نگرانی‌های یاد شده به فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی کمک می‌کند؛ چرا که بازار سهام به ذات خود مشکل خاصی ندارد و معامله گران با توجه به ارزندگی سهام و گزارش‌های مطلوب شرکت‌ها و عرضه‌های اولیه انجام شده روند کلی بازار را مثبت ارزیابی می‌کنند.

دیگران

کیفیت کارگزاران و امنیت ملی

سیدعلی اکبر حسینی

پژوهشگر امنیت ملی

در جهان امروز، «امنیت ملی» تنها به قدرت نظامی و توان بازدارندگی محدود نمی‌شود؛ بخش مهمی از آن به کیفیت حکمرانی، توان حل مسئله و ظرفیت یک نظام برای مدیریت مطالبات جامعه وابسته است. در این میان، کیفیت مدیران و کارگزاران اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. حتی بهترین سیاست‌ها نیز اگر از سوی مدیران بدون تخصص، تجربه و قدرت تصمیم‌گیری اجرا شوند، در مرحله عمل با فرسایش مواجه خواهند شد. از این منظر، «شایسته‌گزینی» صرفاً یک اصل مدیریتی نیست؛ بخشی از الزامات امنیت ملی است.

این موضوع برای کشورمان، با توجه به جمعیت قابل توجه جوانان جواری آینده بهتر که عمدتاً تحصیل کرده هستند، اهمیت بیشتری دارد. بر اساس داده‌های سازمان ملل، در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۲/۴ میلیون نفر از جمعیت ایران در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار داشته‌اند. این جمعیت جوان، اگر فرصت رشد، اشتغال، مشارکت و پیشرفت داشته باشد، یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی خواهد بود؛ اما اگر میان ظرفیت‌های آن و فرصت‌های واقعی زندگی شکاف ایجاد شود، می‌تواند به یکی از متغیرهای حساس ثبات اجتماعی تبدیل شود. نسل جوان امروز بیش از گذشته در معرض اطلاعات، مقایسه اجتماعی و تحولات جهانی قرار دارد و انتظاراتش نیز سریع‌تر تغییر می‌کند. اگر حکمرانی نتواند میان این انتظارات و امکانات واقعی جامعه تعادل ایجاد کند، فاصله میان «انتظار» و «واقعیت» افزایش می‌یابد؛ فاصله‌ای که ممکن است به بی‌اعتمادی و نارضایتی اجتماعی بینجامد و این همان عوارضی است که از پدیده محرومیت نسبی شکل می‌گیرد و ریشه بسیاری از شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی در حداقل دو دهه اخیر جهان بوده است.

وقتی نیروهای متخصص و جوان احساس کنند تخصص و کارنامه عملکردی در برابر روابط و وابستگی‌ها و حتی سهمیه‌های متنوع تحصیلی و شغلی، وزن کمتری دارد، انگیزه آنها برای ماندن، مشارکت و اثرگذاری در ساختارهای اداری و حکمرانی کاهش می‌یابد. نتیجه می‌تواند مهاجرت نخبگان، فاصله گرفتن نیروهای توانمند از ساختارهای رسمی و شکل‌گیری یک «خلأ نخبگانی» باشد.

این خلأ به تدریج ظرفیت حل مسئله دولت و حکومت را کاهش می‌دهد. مسائل بیشتری حل نشده باقی می‌مانند و مسائل انباشته، زمینه آسیب‌پذیری‌های جدید را فراهم می‌کنند. بنابراین میان کیفیت سرمایه انسانی، ظرفیت حکمرانی و ثبات اجتماعی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. از سوی دیگر، کاهش فاصله زمانی میان دوره‌های ناآرامی نیز مؤید این نکته است که انباشت مسائل حل نشده خود به عامل تسریع در ظهور ناآرامی‌های جدید منجر شده است.

به همین دلیل، حکمرانی کارآمد را باید بخشی از پیشگیری امنیتی دانست. ارزیابی مستمر مدیران، گردش نخبگان، جوان‌گرایی مبتنی بر صلاحیت، مقابله با رابطه محوری و ایجاد مسیر روشن برای ارتقای نیروهای توانمند، فقط اصلاحات اداری نیستند؛ بلکه به طور مستقیم با امنیت ملی ارتباط دارند.

نوسازی سرمایه انسانی دولت و نظام اداری باید یک پروژه راهبردی باشد، نه تصمیمی مقطعی. باید بپذیریم که شایسته‌سالاری اگر درست فهم شود، فقط موتور توسعه کشور و جامعه ما نیست؛ بلکه یکی از خطوط مقدم امنیت ملی کشورمان است.

نگاهی به نقش و اهمیت کیفیت کارگزاران

در پیشبرد فصل جدید حکمرانی در کشور

عوارض خلأ نخبگانی



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در ادبیات جدید حکمرانی، دیگر نمی‌توان کیفیت حکومت‌داری را با تعداد قوانین، گستردگی ساختارهای اداری یا میزان منابع مالی سنجید؛ چرا که آنچه ظرفیت یک نظام حکمرانی را برای حل مسئله، مدیریت بحران و تأمین منافع ملی تعیین می‌کند، ترکیبی از کیفیت نهادها، کارآمدی فرآیندها و مهم‌تر از همه، کیفیت انسان‌هایی است که مسئولیت تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها را بر عهده دارند. به همین دلیل، طی دو دهه گذشته، مفهوم «حکمرانی خوب» به یکی از موضوعات مهم مطالعات سیاست‌گذاری عمومی تبدیل شده و کشورها تلاش کرده‌اند با اصلاح ساختارها و ارتقای کیفیت کارگزاران، بهره‌وری حکمرانی را افزایش دهند.

در کشورمان نیز توجه به دانش حکمرانی، از جمله ایجاد و توسعه مراکز و دانشکده‌های تخصصی در دانشگاه‌هایی، مانند دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه تهران، نشان‌دهنده اهمیت روزافزون این حوزه است. اما پرسش اساسی این است که چه کسانی باید حکمرانی خوب را محقق کنند؟ پاسخ روشن است؛ طبیعتاً کارگزاران نظام! در واقع، اگر سیاست‌گذاری را طراحی بدانیم، این نیروی انسانی شایسته است که طراحی را به تصمیم و تصمیم را به نتیجه تبدیل می‌کند. بنابراین، هر اندازه یک نظام در طراحی سیاست‌ها پیشرفته باشد، چنانچه در انتخاب و به‌کارگیری نیروی انسانی دچار خطا شود، فاصله میان «سیاست مطلوب» و «نتیجه واقعی» افزایش خواهد یافت.

از همین جا باید به مفهوم مهم «ناشایسته‌سالاری» یا «کاکيستوکراسی» (Kakistocracy) توجه کرد؛ مفهومی که در عرصه سیاسی و حکمرانی برای توصیف وضعیتی به کار می‌رود که افراد فاقد صلاحیت یا کم‌صلاحیت در جایگاه‌هایی قرار می‌گیرند که نیازمند توانایی، تخصص و قضاوت حرفه‌ای است. ریشه این واژه به ترکیب یونانی به معنای «بدترین» و «مدیریت یک سازمان یا جامعه» نسبت داده شده و از آن برای توصیف مسئولیت داشتن افراد نامناسب برای اداره امور استفاده شده است.

مسئله از کجا آغاز می‌شود؟

ناشایسته‌سالاری را نباید تنها مترادف با مدیر یا مسئول ضعیف دانست. مسئله اصلی زمانی شکل می‌گیرد که معیارهای انتخاب و ارتقای افراد از شایستگی حرفه‌ای فاصله بگیرد. در چنین وضعیتی، تخصص، تجربه، توان حل مسئله و کارنامه عملکردی جای خود را به عواملی، مانند وابستگی‌های شخصی، ارتباطات غیر حرفه‌ای، ملاحظات جریانی یا رابطه محوری بدهد. نتیجه چنین فرآیندی، صرفاً حضور چند فرد نامناسب در ساختار اداری نیست؛ بلکه به تدریج خود نظام ارزیابی و انتصاب دچار فرسایش می‌شود.

این نکته از منظر حکمرانی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا سازمان‌ها تنها از طریق بخشنامه و قانون

اداره نمی‌شوند؛ بلکه از طریق «انسان‌ها» عمل می‌کنند. وقتی افراد شایسته احساس کنند مسیر پیشرفت به جای توانمندی، تابع روابط است، دو اتفاق محتمل رخ می‌دهد: بخشی از نیروهای توانمند از رقابت برای تصدی مسئولیت‌ها کنار می‌روند و بخشی دیگر به دنبال خروج از سازمان یا مهاجرت به محیط‌هایی می‌روند که سرمایه تخصصی آنان بهتر دیده می‌شود. در نتیجه، ساختار با نوعی «خلأ نخبگانی» مواجه می‌شود؛ خلأیی که خود زمینه را برای حضور بیشتر افراد کم‌توان فراهم خواهد کرد.

باید دقت داشت که خلأ نخبگانی صرفاً به معنای کمبود افراد متخصص نیست؛ بلکه به معنای از دست رفتن تدریجی ظرفیت فکری و تخصصی یک سازمان برای تشخیص درست مسئله، تولید راه‌حل و تصمیم‌گیری مؤثر است. خطر اصلی آنجاست که این خلأ، به تدریج با نیروهایی پر شود که نه بر مبنای شایستگی، بلکه به واسطه روابط وابستگی‌ها به ساختار راه یافته‌اند؛ فرآیندی که می‌تواند ترکیب سرمایه انسانی سازمان را تغییر داده و زمینه را برای بازتولید ناکارآمدی فراهم کند. در واقع، یک چرخه معیوب شکل می‌گیرد. مدیر ناکارآمد برای ادامه فعالیت خود معمولاً به نیروهایی نیاز دارد که بیش از آنکه توان تخصصی داشته باشند، با او هماهنگ باشند. از سوی دیگر، افرادی که به واسطه همین روابط وارد ساختار شده‌اند، برای حفظ موقعیت خود به تداوم همان سازوکار وابسته می‌شوند. بنابراین، ناشایسته‌سالاری ممکن است از یک «خطای انتصابی» به یک «الگوی بازتولید شونده» و سازمانی و ساختاری تبدیل شود. این همان نقطه‌ای است که باید مانع یک انتصاب ناموفق و یک نظام ناشایسته‌سالار تمایز گذاشت. هیچ ساختاری از خطای انسانی مصون نیست؛ مسئله زمانی خطرناک می‌شود که ساختارهای اصلاح، ارزیابی و پاسخ‌گویی نتوانند خطا را شناسایی و اصلاح کنند.

کاکيستوکراسی و بازتولید ناکارآمدی

در یک نظام حکمرانی سالم، اشتباه باید به اصلاح منجر شود؛ اما در ساختارهای گرفتار ناشایسته‌سالاری، گاهی خود اشتباه به سازوکاری برای تثبیت اشتباه بعدی تبدیل می‌شود. فردی که بدون صلاحیت کافی به موقعیت مدیریتی رسیده، ممکن است برای حفظ موقعیت خود از حضور نیروهای توانمندتر از خودش استقبال نکند. در مقابل، افرادی را ترجیح می‌دهد که وابستگی سازمانی یا شخصی بیشتری دارند و احتمال به چالش کشیدن تصمیمات او کمتر است.

به این ترتیب، «شایستگی» به جای آنکه معیار ورود و ارتقا باشد، به تهدیدی برای موقعیت برخی مدیران ناکارآمد تبدیل خواهد شد. در چنین وضعیتی، سازمان به تدریج از درون ضعیف می‌شود؛ زیرا نیروهای متخصص یا کنار گذاشته می‌شوند، یا انگیزه خود را از دست می‌دهند و اساساً ترجیح می‌دهند وارد رقابت برای تصدی مسئولیت نشوند.

این آسیب چالش‌های بیشتری به همراه خواهد داشت، به ویژه وقتی «کاکيستوکراسی» و «کلیتوکراسی» یا دزدسالاری با هم پیوند برقرار کنند! پر واضح است که فرد ناشایست پس از تصدی یک مسئولیت خود به خوبی می‌داند که شایسته آن موقعیت نیست. بنابراین، از فرصت

مسئولیت برای بهره‌جویی شخصی استفاده می‌کند. اندیشکده «کارنگی» در این زمینه مقاله خواندنی و مفصلی دارد. بر اساس مقاله این اندیشکده، حکمرانی این دو پدیده زمانی که هم‌زمان شوند، یکدیگر را تقویت می‌کنند: ساختار سالم به افراد ناکارآمد نیاز پیدا می‌کند و افراد ناکارآمد نیز برای پوشاندن ضعف عملکردی خود به شبکه‌های ناسالم متکی می‌شوند. اهمیت این پیوند در آن است که «فساد» و «ناکارآمدی» دیگر دو مسئله مستقل نیستند. فساد می‌تواند منابع را از مسیرهای مولد خارج کند و ناشایسته‌سالاری می‌تواند ظرفیت سیستم برای شناسایی و اصلاح این انحراف را کاهش دهد. حاصل، انباشت مسائل حل نشده، افزایش هزینه تصمیم‌گیری، کاهش بهره‌وری و در نهایت تضعیف اعتماد عمومی به کارآمدی نظام اداری خواهد بود.

از همین منظر، نباید تصور کرد ناشایسته‌سالاری فقط مسئله کشورهای ضعیف یا ساختارهای توسعه‌نیافته است. بر اساس پژوهش‌های جهانی، حتی کشورهای پرخردار از نهادهای قدیمی و سنت‌های سیاسی تثبیت‌شده نیز ممکن است در معرض ظهور چنین روندهایی قرار گیرند. بنابراین، ناشایسته‌سالاری بیش از آنکه یک مسئله جغرافیایی باشد، یک آسیب نهادی است.

سرمایه انسانی شایسته

اگر بپذیریم کارگزاران، موتور اجرایی حکمرانی هستند، بدون شک شایسته‌گزینی دیگر یک انتخاب مدیریتی ساده نیست؛ بلکه بخشی از راهبرد امنیت ملی و توسعه ملی است. کشوری که با محیطی پیچیده، جنگ‌های ترکیبی، فشارهای اقتصادی، تحول فناوری، تغییرات جمعیتی و بحران‌های چندلایه مواجه است، بیش از هر زمان دیگری به مدیرانی نیاز دارد که بتوانند مسائل پیچیده را بفهمند، داده‌ها را تحلیل کنند، تصمیم بگیرند و در برابر نتایج تصمیم خود پاسخ‌گو باشند.

در چنین محیطی، «وفاداری» و «تعهد» اهمیت خود را دارند، اما نباید با «تخصص» در تعارض قرار گیرند. حکمرانی مطلوب به مدیرانی نیاز دارد که هم به منافع ملی و مصالح کشور متعهد باشند و هم از دانش و تجربه لازم برای تحقق آن برخوردار باشند. در واقع، یکی از خطاهای راهبردی این است که شایستگی و تعهد را دو مفهوم رقیب تصور کنیم؛ در حالی که مدل مطلوب، جمع میان هر دو است.

کشورمان برای عبور از چالش‌های پیش و پس از جنگ اخیر، بیش از هر چیز به افزایش ظرفیت حل مسئله نیاز دارد. این امر بدون بازسازی سرمایه انسانی و اصلاح فرآیندهای انتخاب، انتصاب، ارزیابی و ارتقای مدیران امکان‌پذیر نیست. در این مسیر، تجربه کشورها نشان می‌دهد، حرفه‌ای‌سازی مدیریت دولتی، ارزیابی عملکرد، شفافیت فرآیندهای انتصاب و ایجاد مسیرهای روشن برای رشد نیروهای متخصص، از مؤلفه‌های مهم ارتقای کیفیت حکمرانی به شمار می‌آید.

ضرورت یک بازآرایی مدیریتی

اصلاح ناشایسته‌سالاری الزاماً به معنای کنار گذاشتن افراد به دلیل سن، سابقه یا گرایش آنان نیست؛ بلکه معیار باید «کارآمدی در برابر



مأموریت» باشد. مدیری که همچنان توان حل مسئله، یادگیری، نوآوری و پاسخ‌گویی دارد، صرف‌نظر از سن، می‌تواند سرمایه سازمان باشد؛ همان‌گونه که مدیری جوان اما فاقد توانمندی نیز صرفاً به دلیل جوانی نباید در جایگاهی قرار گیرد که ظرفیت او برای اداره آن اثبات نشده است.

از این منظر، بازنشستگی و گردش مدیریتی نیز باید از حالت یک موضوع اداری خارج و به بخشی از نظام نوسازی حکمرانی تبدیل شود. تمدید مسئولیت باید بر اساس قانون، عملکرد و نیاز واقعی سازمان صورت گیرد، نه صرفاً بر مبنای روابط و ترجیحات فردی. در کنار آن، باید سازوکاری ایجاد شود که نیروهای متخصص و جوان بتوانند به تدریج مسئولیت‌های بزرگ‌تر را بر عهده بگیرند و انتقال تجربه میان نسل‌ها به شکل سازمان‌یافته انجام شود.

هم‌زمان، ارزیابی مدیران باید از سنجش «فعالیت» به سنجش «نتیجه» تغییر کند. تعداد جلسات، بخشنامه‌ها و گزارش‌ها الزاماً نشانه کارآمدی نیستند. شاخص اصلی باید میزان حل مسائل، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، رضایت ذی‌نفعان و تحقق اهداف تعیین‌شده باشد. چنین تغییری به تدریج فرهنگ سازمانی را از «مدیریت برای حفظ موقعیت» به «مدیریت برای تحقق مأموریت» منتقل خواهد کرد.

جمع‌بندی

ناشایسته‌سالاری را نباید یک ضعف مدیریتی یا مجموعه‌ای از انتصاب‌های ناموفق تلقی کرد. اگر معیارهای شایسته‌گزینی تضعیف شوند و سازوکارهای اصلاح نیز کارآمد نباشند، یک چرخه خودتقویت‌شونده شکل می‌گیرد که در آن ناکارآمدی، نیروهای توانمند را دفع و نیروهای ضعیف‌تر را جذب می‌کند. در صورت پیوند این روند با فساد سازمان‌یافته، مسئله از سطح «کیفیت مدیریت» فراتر رفته و به مسئله‌ای برای ظرفیت حکمرانی تبدیل می‌شود؛ همان پیوندی که در رابطه با دو مفهوم «کاکيستوکراسی» و «کلیتوکراسی» و پیوند بین آنها به آن اشاره شد.

کشورمان برای عبور از چالش‌های پیش‌رو، به نوسازی مستمر کارگزاران و ارتقای ظرفیت حکمرانی نیاز دارد. این نوسازی نباید با رویکردی جناحی انجام شود، بلکه باید بر سه اصل «شایستگی، عملکرد و پاسخ‌گویی» استوار باشد. نظام و ساختاری که بتواند بهترین نیروهای خود را شناسایی، تربیت، به‌کارگیری و حفظ کند، در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر خواهد بود و از سرمایه‌های مادی و معنوی کشور بهتر صیانت می‌کند.

به طور کلی، شاید مهم‌ترین درس مفهوم «کاکيستوکراسی» این باشد که تهدید علیه یک کشور همیشه از بیرون آغاز نمی‌شود. گاهی بزرگ‌ترین آسیب زمانی شکل می‌گیرد که ظرفیت تصمیم‌گیری از درون فرسوده شود و افراد نامتناسب، جایگزین نیروهای شایسته شوند. بنابراین، صیانت از امنیت ملی تنها با تقویت قدرت دفاعی و مقابله با تهدیدهای خارجی محقق نمی‌شود؛ حکمرانی کارآمد، سرمایه انسانی شایسته و توان اصلاح خطاها نیز بخشی از قدرت ملی هستند. کشوری که بتواند به‌موقع ناکارآمدی را تشخیص دهد و شجاعانه آن را اصلاح کند، نه‌تنها از بحران عبور می‌کند، بلکه از هر بحران برای ساختن حکمرانی قدرتمندتر بهره خواهد گرفت.

رؤیای ناتمام



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

«رؤیای نیمه شب» تازه‌ترین سریال تاریخی پخش شده در تلویزیون است که مورد توجه قرار گرفت و بحث‌هایی را هم برانگیخت. این مجموعه که با مشارکت سازمان «اوج» تولید شد، قرار بود در شبکه نمایش خانگی منتشر شود، اما درنهایت روی آنتن شبکه سه سیما رفت. «رؤیای نیمه شب» مضامینی چون عشق، تاریخ سلطه مغولان بر ایران و جهان اسلام، وحدت شیعه و سنی، نفوذ دشمنان و عملیات تخریبی یهودیان علیه مسلمانان، مبارزه با ظلم و جور و همچنین مهدویت و امام زمان(عج) را دستمایه قرار داده است. این سریال از قصه‌ای با کشش متناسب و تصاویر و صحنه‌هایی استاندارد برخوردار است و درمجموع، کار بدی از آب درنیامده است؛ اما درباره آن نکاتی گفتنی است!

آثار تاریخی در حوزه نمایش و درام، به خودی خود جاذبه بالایی دارند؛ به شرط ساخت قوی و روایت صحیح! در طول تاریخ سینما و تلویزیون، کمتر پیش آمده که یک فیلم یا سریال، با قوت و قدرت در ژانر تاریخی ساخته شود و به نمایش دربیاید، اما جلب توجه نکند. فیلم «الرساله» ساخته ماندگار «مصطفی عقاد» که در ایران با نام مبارک «محمد رسول الله(ص)» شناخته می‌شود، هنوز که هنوز است بعد از گذشت نیم قرن دلبری می‌کند. هر سال، بخشی از آثار پر مخاطب و تأثیرگذار در سینما و تلویزیون جهان، در ژانر تاریخی- حماسی یا تاریخی- مذهبی قرار دارند. در کشور خودمان

نیز محبوب‌ترین آثار تصویری، سریال‌هایی چون «یوسف پیامبر» و «مختارنامه» هستند که هر دو نیز آثاری در ژانر تاریخی- مذهبی قلمداد می‌شوند. بنابراین، آثاری از این دست کمتر نیازمند دستاویز قرار دادن عناصر موصوف به جاذبه کاذب هستند. فیلم‌های تاریخی به سفر به زمان شباهت دارند و همین که مخاطب موقع تماشا می‌پندارد که به صدها و ده‌ها سال قبل بازگشته و با حوادث و آدم‌های واقعی همراه شده است، برایش حائز نوعی شگفتی و لذت است. به ویژه اگر بازسازی تصاویر دوران و قرون سابق با جلوه‌های ویژه محیرالعقول و ساخت نبردهای سهمگین و طراحی فضا و مکان‌های چشم‌نواز توأم باشد، اثر تاریخی، فراتر از شگفتی، اسباب حیرت می‌شود. اگر در پرداخت روایت‌های تاریخی نیم‌نگاهی به مسائل روز هم شود، جذایت این آثار دوچندان می‌شود. در «رؤیای نیمه شب» هم به موضوع نفوذ و نقش مخرب برخی یهودیان برای ایجاد اختلاف و فتنه بین مسلمانان توجه شده است که به نوعی، مسئله امروز هم هست.

از این رو، متوسل شدن به مسائلی چون عشق‌های چند ضلعی و رقابت‌های عاشقانه در سریالی، چون «رؤیای نیمه شب» الزامی نداشته است. هر چند نمایش چنین موضوعاتی می‌تواند بخشی از یک درام تاریخی هم باشد، اما واقعیت این است که در این سریال، گرایش به چنین مسائلی، پررنگ و غلیظ و فراتر از نیاز انجام شده است؛ درست به سبک سریال‌های ترکیه‌ای! طراحی موقعیت‌هایی چون تعرض و تجاوز و ناز و نیاز بیش از حد زنان درمقابل مردان، از دیگر مسائلی است که در فرهنگ ما جایگاه چندانی ندارد و از آثاری در تعارض با فرهنگ گرته‌برداری شده‌اند.

«رؤیای نیمه شب» با اقتباس از رمانی به همین نام، با محوریت عشق پسر اهل سنت و دختری علوی (شیعه) ساخته شده است. در رمان «رؤیای نیمه شب» نوشته حجت‌الاسلام مظفر سالاری این عشق زمینی زمینه‌ساز عشقی معرفتی و آسمانی است و در بطن آن، موضوع راهبردی وحدت مذاهب اسلامی نیز تجلی یافته است. در این رمان که از آثار ادبی پر فروش متأخر در ایران است، ارتباطات عاطفی زن و مرد به هیچ وجه شباهت و رنگی از جاذبه کاذب ندارد، چون فضاسازی کتاب، تماماً معنوی و قدسی است. «رؤیای نیمه شب» راوی قصه‌ای افسانه‌وار، اما بر خاسته از واقعیت در عصر ایلخانیان و شهر حله در عراق است. هاشم جوان زرگر بعد از رویه‌رو شدن به همبازی دوران خردسالی‌اش ریحان دل‌داده او می‌شود؛ اما تفاوت مذهبی دو خانواده، مانع محکم سر راه وصال آنهاست. اما این عشق سبب آگاهی جوان زرگر با آرمان‌ها و عقاید شیعی می‌شود و او را به یک سفر معنوی و عرفانی می‌برد. رمان، از رویکردی آخرالزمانی مطابق اعتقادات اسلامی و شیعی هم برخوردار است و بخشی از ماجرا با مهدویت و انتظار گره خورده است؛ اما در سریال اقتباس شده به کارگردانی حسن آخوندپور، این عشق بیشتر جذبه‌ای زمینی و فارغ از جنبه عرفانی و معنوی یافته است؛ علاوه بر آن، تمایلات عاطفی در این سریال، به سبک نمونه‌های ترکیه‌ای، به دو یاسه نفر محدود نیست و چند مثلث عشقی در آن باهم تلفیق شده‌اند، آنچنان که اگر فتاح (پسر زرگر اهل سنت) عاشق تلما (دختر شیعه) شده است، تلما هم ابتدا ظاهراً علاقه‌مند به جوانی زندانی به نام حمود است که بعداً معلوم می‌شود برادر تلماست! از آن طرف هم



فتاح، ابتدا مورد علاقه هیام دختر حاکم شهر است و هیام خودش معشوق سویتا فرمانده نظامیان شهر است. هر چند باز در ادامه معلوم می‌شود معشوق اصلی هیام، حمود است، در شرایطی که در ابتدا هیام هر کاری برای نزدیک کردن فتاح به خود می‌کرد! برخلاف رمان، در سریال «رؤیای نیمه شب» ماجراهای عاشقانه در سطح جاذبه کاذب باقی مانده‌اند و راهی به آسمان نمی‌یابند؛ یعنی برعکس کتاب هدف اقتباس، در این سریال عشق به دختر علوی زمینه‌ساز تحول فکری و معنوی پسر نمی‌شود. همچنین نوع طراحی کاخ و خانه‌ها و لباس کاراکترها بیش از آنکه یادآور عصر تاریخی به تصویر درآمده باشد، به آثاری چون «حريم سلطان» شباهت دارد. برای نمونه، به لباس و پوشش آدم‌ها دقت کنید؛ این حجم از زرق و برق و تمیزی در البسه افرادی متعلق به آن دوره تاریخی آن هم در عراق (شهر حله) دور از واقع و باورناپذیر است. نمایش بانوانی با این حجم از آرایش و بزرک در کوچه و معابر شهر حله در ۵۰۰ سال قبل، تصنعی به نظر می‌رسد. همین امروز در قرن ۲۱ هم پوشاک و ظاهر مردم در بسیاری از نقاط غرب آسیا، ساده است!

به همین دلایل، سریال «رؤیای نیمه شب» با تنظیم محتوای عمیق‌تر به ویژه در زمینه مسائل عاشقانه و روابط بین افراد و آدم‌ها و تقویت روایت، می‌توانست به اثری ماندگار و جریان‌ساز در تاریخ تلویزیون ایران و حتی جهان اسلام تبدیل شود؛ اما اشکالات و ضعف‌هایی که به آنها پرداختیم، موجب شدند تا تبدیل این سریال به یک اثر معرفتی و امام زمانی به یک رؤیای ناتمام شباهت یابد!

برداشت

دوباره تئاتر اشرافی!

صالح‌پور» پژوهشگر و مدرس تئاتر، ورود سرمایه‌های ناسالم و گسترش تهیه‌کنندگی تجاری را از عوامل رشد تئاتر لاکچری دانسته و از وضعیتی انتقاد کرده بود که در آن تعداد چهره‌های مشهور یک نمایش، گاه به معیار مهم‌تری از کیفیت هنری آن تبدیل می‌شود. این نگرانی در سخنان دیگر هنرمندان نیز دیده می‌شود. کوروش سلیمانی و سیروس همتی درباره افزایش قیمت بلیت و حذف تدریجی دانشجویان و اقشار کم‌برخوردار از دایره مخاطبان تئاتر هشدار داده بودند. حتی سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تئاتر لاکچری را «تبر خلاص به این هنر مردمی» توصیف کرده بود.

بنابراین سؤال مهم این نیست که چرا یک تهیه‌کننده بلیت گران می‌فروشد؛ سؤال این است که سیاست فرهنگی کشور برای حفظ توازن میان اقتصاد هنر و عدالت فرهنگی چه کرده است؟

دولت در اینجا دو وظیفه هم‌زمان دارد. از یک سو نباید با مداخله افراطی، اقتصاد هنر را از نفس بیندازد و امکان فعالیت بخش خصوصی را از بین ببرد. از سوی دیگر، نمی‌تواند در برابر طبقاتی شدن تدریجی

دسترسی فرهنگی منفعل بماند. همان‌گونه که در حوزه آموزش، سلامت و ورزش، سیاست عمومی باید مراقب حذف اقشار کم‌برخوردار باشد، در حوزه فرهنگ نیز دسترسی عمومی به محصولات فرهنگی باید به منزله یک مسئله سیاست‌گذاری جدی گرفته شود.

از سوی دیگر، سیاست‌گذاری فرهنگی باید نسبت به محتوای آثار نیز حساس باشد؛ نه به معنای دخالت سلیقه‌ای در آفرینش هنری، بلکه از منظر اینکه سرمایه عمومی و زیرساخت‌های فرهنگی کشور در نهایت چه نوع زیست فرهنگی‌ای را تقویت می‌کنند. اگر تمام امکانات و توجه مدیریتی به سمت تولیدات ستاره‌محور و تجاری برود، طبیعی است که جریان‌های مردمی، جوان و کم‌هزینه فرصت کمتری برای دیده‌شدن پیدا کنند. تئاتر ایران اگر قرار است آینده‌ای داشته باشد، باید هم‌زمان دو مسیر را طی کند: حرفه‌ای‌تر شدن در تولید و مردمی‌تر شدن در دسترسی. این دو نه تنها متناقض نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. هنر حرفه‌ای بدون مخاطب گسترده، به کالایی محدود تبدیل می‌شود و هنر مردمی بدون کیفیت حرفه‌ای نیز نمی‌تواند اثرگذاری پایدار داشته باشد.

۷

فرهنگ

شماره ۱۲۵۲ | دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵

صداق

یادداشت

سینمای ایران و هویت ملی

محمدرضا محقق

منتقدسینما

«سینمای ایران» را می‌توان از منظرهایی، همچون نوع تعامل با موضوعاتی، نظیر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و خانواده و نقش زن در آن و نیز بسیاری از موضوعات و مضامین دیگر نگریست و نقد و تحلیل کرد. تشخیص و ردیابی اینکه سینمای ایران در این بیش از چهار دهه که از انقلاب و تولد نوینش می‌گذرد، چقدر ملی بوده و شده است؟ قطعاً در پاسخ به این پرسش، روشن می‌شود که این سینما چه نسبتی با این مفاهیم و موقعیت‌های خطیر و مهم تاریخی داشته و تا چه حد توانسته و می‌تواند چراغی باشد فرا راه آینده حرکت این سینما و روشنگر نقاط قوت و ضعف این رسانه‌صنعت و هنر ملی.

اینها کلید واژه‌ها و عناصر تعیین‌کننده در هویت سینمایی و مفاهیم و معارف منتشر و مستتر در هنر هفتم ایران پس از انقلاب هستند؛ همچنان که برخی از آنها جزء عناصر اصلی و زمینه‌های همیشگی و اصیل کارکردهای سینمای ملی به شمار می‌آیند. کارکردهایی که گاه وجه مثبت و پیشرو و تعالی‌بخش می‌یابند و گاه شکل معیوب و نادرست و اغفال‌کننده و مخرب. مثل نقش و حضور زن و در ادامه و به تبع آن، کارکردها و تصویرگری‌هایی که از خانواده در سینما ارانه می‌شود.

پدیده انقلاب اسلامی هم پدیده‌ای فرهنگی بود. این حقیقت از شعارهای مردم و رهبران انقلاب کاملاً هویداست. بازخوانی سخنان و بیانه‌های امام خمینی(ره) پیش و پس از پیروزی نهضت نشان‌دهنده همین حقیقت است. ما در تمامی این سخنان و خواسته‌ها با یک رهیافت و رویکرد فرهنگی و سیاسی روبه‌رویم.

سینمایی که این روزها بیش از هر زمان و زمانه دیگری دچار خلأ اندیشه و فقدان تلاش‌های ناب بر سر ایده‌ها و سوزهای بکر و جذاب شده است.

بخشی از سینماگران حتی حاضر نیستند نگاهی به تابلوی سبز و سرخ روزهای ایثار این ملت بیندازند و نورقی بر کتاب خونین مقاومت و جهاد بکنند. این در حالی است که میدان هنر انقلاب بیش از هر زمان دیگری نیازمند نفس حق و مرشدی حق مدار و خدا محور است تا دل‌بستگان این هنر گرد شمع وجود او جمع آیند و از نور حقیقت و اصالت او برای نگارگری آرمان‌ها بهره گیرند. کسی همچون سیدمرتضی آوینی سید شهیدان اهل قلم به راستی اهلیت چنین کاری را داشت و مصداق تام و تمام مرشد و صاحب نفس حق بود؛ اما متأسفانه پس از او، هنرمند دیگر چنین جایگاهی رانیافت!

حکایت آنچه در بیش از چهار دهه گذشته در سینمای ما رخ داده، با در نظر داشتن تمام افت و خیزها و فراز و فرودهای و با توجه به تمام بارقه‌ها و کورسوهای مجاهدت‌آمیز و فرصت‌سوزی‌های رقت انگیزش حکایتی دردآور و آزادهنده است؛ اما دلیلی ندارد و نباید که این آزار ادامه یابد. راه این تغییر و تحول، توجه به بنیان‌های معنوی سینمای ملی است و اینکه بدانیم راه سینمای جهانی از ملیت و ملی شدن سینما می‌گذرد و هنر تا ملی نباشد، جهانی هم نخواهد شد!

صادق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی،

عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پرشان،

علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی:محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس:حامد‌گودرزی

چاپ:مرکز چاپ سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن:۰۱۰و۰۱۰۰۷۷۴۶۰۱۰۱(۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر:۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک:۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۵۲ | دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵

مکتب

بزرگ‌ترین جهاد

سید علی میرهادی

کارشناس مذهبی

به مناسبت سالروز شهادت دومین شهید محراب، «آیت‌الله سیداسدالله مدنی»، می‌توان از زاویه‌ای دیگر به مفهوم «شهادت» نگاه کرد، وقتی عالمی در محراب نماز به شهادت می‌رسد، معنای این حادثه تنها از دست رفتن یک عالم دینی نیست! دشمن با انتخاب محراب و شهادت عالمی که جایگاه هدایت مردم را بر عهده داشته، در حقیقت با یک «منبر هدایت» مقابله کرده است. محراب نماز جایی است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و نماز جمعه و منبر، اگر به حقیقت خود عمل کنند، می‌توانند دل‌های مردم را به عدالت، گذشت، برادری، محبت و مسئولیت اجتماعی دعوت کنند. دشمن فهمیده است که اگر افکار اسلامی و سخنان اخلاقی و انسانی از منبرها و محراب‌ها به دل مردم برسد، بسیاری از زمینه‌های دشمنی از میان خواهد رفت؛ زیرا انسانی که خدا را بشناسد، کرامت انسان را می‌فهمد و ظلم را نمی‌پذیرد، اما در برابر ظلم نیز اجازه نمی‌دهد خشم و کینه، او را از انسانیت خارج کند.

شهادی محراب، قربانی خشونت‌ی بودند که در برابر پیام محبت و هدایت ایستاد. حق بودن آنها زمانی آشکار شد که جان‌شان در ازای کلمه اخلاق، نماز، ایمان و دعوت به خدا قرار گرفت. شهید با خون خود نشان می‌دهد که می‌توان در برابر دشمن ایستاد، بدون آنکه دشمنی را در دل خود پرورش داد و می‌توان از حقیقت دفاع کرد، بدون آنکه از عدالت و انسانیت فاصله گرفت.

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» «بزرترین جهاد، گفتن سخن عدالت در برابر حاکم ستمگر است.»(اصول‌کافی، ج ۵ ص ۶۰) این روایت معنای بسیار بزرگی دارد. گاهی جهاد، فقط شمشیر نیست، «کلمه و کلام» است. گاهی بزرگ‌ترین ایستادگی، گفتن «سخن عدالت و انسانیت» در برابر کسی است که می‌خواهد عدالت و انسانیت را خاموش کند. بنابراین وقتی عالمی بر منبر می‌ایستد و از خدا، عدالت، کرامت انسان، محبت، برادری و مبارزه با ظلم سخن می‌گوید، در حقیقت مشغول یک جهاد بزرگ است. همین بحث‌های دینی ما در منبر هیئت‌ها، مساجد و نمازهای جمعه، اگر حقیقت‌دین را برای مردم تبیین کنند، خود می‌توانند یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های جهادباشند.

صبحانه

دلیل شکست‌ها

هیچکس تا به حال برنامه ای برای شکست خوردن، ناامید شدن یا نتوانستن و گوشه‌نشینی ننوشته! این چیزها وقتی اتفاق می افتد که شما برنامه‌ای نداشته باشید.

منبر

در مسیر بهشت!

گفتاری از استاد حسین انصاریان



مهمی است، برای‌تان نقل می‌کنم. فاطمه معصومه(س)، دختر موسی‌بن‌جعفر(ع) از فاطمه دختر حضرت صادق(ع)، فاطمه دختر حضرت صادق(ع) از فاطمه دختر حضرت باقر(ع)، فاطمه دختر امام باقر(ع) از فاطمه دختر حضرت زین‌العابدین(ع)، فاطمه دختر حضرت زین‌العابدین(ع) از فاطمه دختر حضرت سیدالشهداء(ع)،دخترابی‌عبدالله(ع) از ام‌کلثوم دختر فاطمه زهرا(س) و ام‌کلثوم از صدیقه کبری(س)، دختر پیغمبر(ص) نقل می‌کند که خود حضرت زهر(اس) این روایت را از پیغمبر(ص) شنیده است: «قَالَ

آیه

تصمیم تاریخ ساز

می‌زند. بعثت را باید شروع یک حرکت دانست که هر چه پیش می‌رود، کامل‌تر و جذاب‌تر می‌شود. برخی افراد بعثت مردمی را نقطه پایان سکون و آغاز حرکت دانستند، اما وقتی به تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بعثت خروج از سکون و بی‌حرکتی نیست؛ بلکه ادامه یک راه مقدس است اما با عزمی جزم‌تر و با نگاهی عمیق‌تر؛ بعثت مردمی یعنی همه چیز به‌دست مردم افتاده و به‌دست آنان اداره می‌شود. بعثت مردمی یعنی آمدن مردم به میان‌گود و به عنصر فعال تاریخ تبدیل شدن. یعنی جامعه‌ای که ممکن است سال‌ها درگیر مشکلات، فشارها، اختلاف‌ها، تهدیدها و جنگ روایت‌ها بوده باشد، در نقطه‌ای تصمیم بگیرد که سرنوشت خود را تنها به تصمیم دیگران واگذارد نکند. اینجاست که مردم از «جمعیت» به «نیروی تاریخی» تبدیل می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بعثت مردمی، همین تغییر جایگاه مردم است. جامعه‌ای که صرفاً منتظر تصمیم ساختارهای رسمی، دولت‌ها یا نخبگان بماند، جامعه‌ای منفعل است؛ اما جامعه‌ای که نسبت به سرنوشت کشور احساس مسئولیت می‌کند، برای حفظ استقلال، عزت، امنیت و آینده خود وارد میدان می‌شود، در حال تجربه نوعی «بعثت اجتماعی» است.

اگر قرار باشد این مفهوم در تاریخ ماندگار شود، باید بتواند در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی خود را نشان‌دهد. بعثت حقیقی زمانی معنا پیدا می‌کند که مردم در اقتصاد، فرهنگ، علم، فناوری، اخلاق، خانواده، آموزش، تولید و حل مسائل کشور نیز احساس مسئولیت کنند. کشوری که مردم آن فقط در زمان بحران به میدان بیایند، هنوز به تمام ظرفیت بعثت مردمی دست پیدا نکرده است. بعثت هنگامی کامل می‌شود که روح حرکت و مسئولیت‌پذیری

صادقانه

نشان صابر

حضرت رسول صلي الله عليه و آله فرمود: علامت صابر در سه چیز است: نخست آنکه کسل و تنبل نباشد، دوم آنکه بی حوصله و بی تاب نباشد، سوم آنکه از پروردگارش شکایت نکند، زیرا اگر کسل باشد، حق را ضایع می‌سازد، اگر بی حوصله باشد، شکر را به جا نمی‌آورد و اگر از پروردگارش شکایت کند او را نافرمانی کرده است.

علل الشرايع، ص ۴۹۸ (باب ۲۵۳)

غیر رسمی

از بزرگان خواهی شد!

زیست پر بار و الهام‌بخش رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای(ره) سرشار از لحظه‌ها و رخدادهای ژرف و شگرفی است که تأمل در آنها انسان را به معرفت تازه‌ای درباره آن حکیم شهید، رهنمون می‌سازد، در این راستا بازخوانی خاطره‌ها و تاریخ شفاهی زندگی امام شهید اّت، حائز نقش و اهمیت بسزایی است.

یکی از کلاس‌های درسی که رهبر شهید انقلاب اسلامی طی دوران حضورشان در شهر مقدس قم در آن شرکت می‌کردند، کلاس مرحوم آقای شیخ مرتضی حائری بود. رهبر شهید در خاطرات‌شان روایت جالبی را از شرکت در کلاس درس مرحوم حائری و پیش‌بینی جالب این عالم حوزوی درباره آینده ایشان نقل می‌کنند.

امام شهید امت در این باره می‌فرمایند: «من درس آقای آقا شیخ مرتضی حائری می‌رفتم. درس آقای آقا شیخ مرتضی حائری از آن درس‌های سخت حوزه بود. هرکسی درس ایشان نمی‌رفت. یک وقت من رفتم، خودم بودم و ایشان و بقیه شاگردها نیامده بودند. آقای حائری به من گفتند که «آقای آقا سید علی آقا! من با این استعدادی که در شما می‌بینم، شما یا یک مرجع تقلید می‌شوید، یا حداقل عالم بر جسته خطه خراسان.» این بیان از زبان آقای شیخ مرتضی حائری، آن عالم بر جسته خیلی مهم است،

حسن ختام

حدیث هجران

سال‌هاست که در آتش حسرت دوری‌ات می‌سوزیم و هر نفس را به امید روزی می‌کشیم که چشم‌مان به روی خورشید رخسارت باز شود. اگرچه چشم‌های ناپایدار ما لیاقت تماشایت را نداشته و از دیدارت محروم مانده‌ایم، اما دلخوشیم به همین خیال دل‌انگیزی که از تودر گوشه‌دل‌مان ساخته‌ایم.

ما در این خاک، طالب آب و دانه‌های بی‌ارزش دنیا نیستیم و هوس‌های زودگذرش هوایی‌مان نمی‌کند؛ تمام حسرت و داغ دل‌ما، ندیدن آن لبخند ولایی و آن خال زیبای هاشمی توست که روشنی‌بخش عالم است.

یک عمر با یاد فراق و حرف زدن از دردهای دوری‌ات روزگار گذرانیدیم و سسوختمیم، به این امید که عاقبت، آرزوی وصال‌ت دست‌دل‌مان را بگیرد....

